

سرمقاله

پروسه های ملی در باتلاق اختلافات سیاسی

حفیظ الله زکی

از تشکیل حکومت وحدت ملی نزدیک نه ماه می گذرد، اما در این مدت هردو تیم شریک در حکومت گامی در راستای تحقق وعده های انتخابی شان برداشته نتوانسته اند. تشکیل کابینه که از کارهای اولیه حکومت به شمار می رقت، هشت ماه به طول انجامید. امنیت روز به روز افزایش می یابد و در کنار گروه های هراس افکن سابق، گروه داعش با وحشت و توانایی های بیشتری به فعالیت آغاز کرده است. فقر و بیکاری مردم را در وضعیت بسیار خطرناکی قرار داده است. سیل مهاجرت به کشورهای خارج نیز بیشتر از گذشته جریان دارد.

چندین ماه است که حکومت در گیر معرفی والیان جدید است، اما این روند هنوز تکمیل نشده و در برخی موارد با مشکل روبرو گردیده است. فساد نه تنها کاهش نیافته است که به صورت وحشتناک در حال افزایش است. حکومت در حال حاضر اقتدار خود را در بیشتر مناطق ناامن از دست داده است و دستگاه قضایی همچنان در فساد و تباهی غوطه ور می باشد.

با این همه چه باید کرد؟ این پرسشی است که بسیاری از مردم پاسخی برای آن پیدا نکرده است. حکومتی که حد اقل باید روزنه امیدی برای آینده پدید می آورد و سطح میدواری مردم را نسبت به آینده کشور بالا می برد، امروز خود به عامل عسده ناامیدی تبدیل شده است.

حکومت پس از جازو جنجال های زیاد بالاخره کمیسیون اصلاحات انتخاباتی را ایجاد کرد؛ اما اختلافات درونی این کمیسیون از یک طرف و اختلاف میان کمیسیون و کمیسیون های انتخاباتی از سوی دیگر، موفقیت این پروسه را زیر سوال برده است. کمیسیون های انتخاباتی هنوز خود را در امور انتخاباتی صاحب صلاحیت می دانند و به حکومت هشدار داده است که اختلافات را از دایره بازی های سیاسی بیرون کنند و جلوی اظهارات غیر مسؤانه نهادهای غیر قانونی را بگیرد.

کمیسیون های انتخاباتی با استناد به قانون تمام امور انتخاباتی را در حیطه صلاحیت کمیسیون های انتخاباتی می دانند و دخالت کمیسیون اصلاحاتی را قانون شکنی و تخلف از قانون عنوان می کنند. این کشمکش ها با توجه به اختلافاتی که میان سران حکومت وحدت ملی در تشخیص صلاحیت های کمیسیون اصلاحات وجود دارد، ممکن است دشواری های زیادی را فراروی روند برگزاری انتخابات پارلمانی آینده به وجود آورد. در حالی که دوره کاری مجلس در اول سرطان امسال به پایان رسیده، اما تا هنوز انتخابات ولسی جرگه برگزار نشده است. زمان برگزاری انتخابات نیز مشخص نشده است. نهاد قانونی که این زمان را تعیین کند نیز معلوم نیست. مطابق قانون این کار مربوط کمیسیون انتخابات می شود، ولی زمانی که این کمیسیون به دلیل خیانت و یا ناکارایی و سوء مدیریت مشرعییت خود را از دست بدهد، چه نهادی بجای آن تصمیم خواهد گرفت، مشخص نیست. بنابراین حکومت باید بخاطر پاسداری از قانون اساسی و احترام به ارزش های دموکراسی و جلوگیری از بی نظمی و نابسامانی های سیاسی هرچه زود تر در مورد کمیسیون های انتخاباتی و نیز صلاحیت های کمیسیون اصلاحات انتخاباتی تصمیم بگیرد و زمینه را برای تعیین زمان برگزاری انتخابات ولسی جرگه فراهم سازد.

با توجه به این که ما انتخابات پارلمانی را پیش رو داریم، ضرورت و ایجاد اصلاحات در نظام انتخاباتی دارای اهمیت ویژه می باشد. انتخابات آینده باید شفاف برگزار شود. این امر زمانی ممکن خواهد بود که اصلاحات لازم در نظام انتخاباتی وارد شود در غیر این صورت با بی اعتمادی عمومی روبرو بوده و سبب بروز بحران در کشور می شود. به هر حال مسئولیت دولتمردان حکومت وحدت ملی بس سنگین می باشد که در جمع ساختن این قتمادها روند برگزاری انتخابات را از مجرای کمیسیون اصلاح شده انتخابات بگونه ای به اجرا بگذارند که مردم با اعتماد و باورمندی کامل در پای صندوق های رای حاضر شده و نمایندگان شایسته و صادق خود را برگزینند. در حقیقت چگونگی انجام و سازوکار اعمال اصلاحات در نظام انتخاباتی کشور یکی از آزمونگاه های بسیار جدی حکومت وحدت ملی شمرده می شود که موفقیت یا ناکامی در آن می تواند بر محبوبیت و مقبولیت دولتمردان سخت اثر گذار باشد.

نهاد های امنیتی؛ حرکت به جلو یا بازگشت به گذشته

علی قادری

این برخورد ها منجر به کاهش اعتماد مردم به نهاد های امنیتی می شود در نهایت میان مردم و نهاد های امنیتی شکاف ایجاد می کند. با توجه به تجربه

با این حال، این رویداد نقطه ضعف امنیت ملی را برملا کرد. امیدوارم که امنیت ملی از این رویداد درس گرفته و خلاء را پر نماید.

حکومت آگاه می گردد. بنابراین، نقد شدن رفتار ها و سیاست ها و برنامه های حکومت هم به نفع مردم است و هم به نفع نخبگان و حکومت. اگر نخبگان ناشی از سرکوب نهاد ها بوده است. آغاز حرکت به جلو یا بازگشت به گذشته

حکومت کرد. در این سیزده سال، او در بسیاری بخش ها ناکام بود. در مبارزه با فساد اداری ناکام بود. نه تنها ناکام بلکه دست آدم های دور و برش آغشته به طالبان شکست خورد. در بازسازی کشور نیز با توجه به کمک های جامعه جهانی چندان موفق نبود. با همه این ها، دوران کزری بدون دستاورد نیز نبوده است. شاید با قاطعیت بتوان گفت که آزادی بیان و رسانه از دستاورد های انکار ناپذیر دوران حامد کزری است. در دوران او رسانه های زیادی تصویری، صوتی و چاپی بیرون آمد و هر کدام جهت و سمت و سویی را برگزید. بر کارکرد های حکومت کزری نق زد. تنها به نق زنی اکتفا نکرد در بسیار موارد با ادبیات ستیغ حامد کزری و یکی از مقامات بلند پایه حکومت او را مورد حمله قرار می داد و در مواردی فحش و ناسزا تقدیم شان می کرد. با این حال، هیچ رسانه ای از سوی نهاد های امنیتی مورد بازخواست و پرسش قرار نگرفت.



تاریخی، شکاف میان مردم و نهاد های امنیتی منجر به امنیتی شدن جامعه می شود. پیامد آن کشت و کشتار و جوی خون است. این سنگین ترین هزینه ممکن برای حکومت و نهاد های امنیتی است. شورای امنیت و ریاست امنیت ملی بهتر آن است که تبدیل به یک نهاد مدرن شود. بازجویی روزنامه نگاران آن ها به گذشته خونین بر می گرداند. گذشته خونین که همه گروه های قومی و اجتماعی را متضرر نموده است. بنابراین، شورای امنیت ملی و ریاست امنیت ملی باید از این رویداد درس عبرت بگیرد و خلاء ها را پر نماید و نگذارد که یک بار دیگر خواست یک نخبه و مقام دولتی منافع یک نهاد را زیر پا بگذارد و تمام دستاورد هایش را به یک باره نیست و نابود سازد.

چهارم؛ رئیس جمهور، معاونین او، رئیس اجرائیه و معاونین او باید این سوال را از خود پرسند که در فردای کنار رفتن از قدرت به این بیاندیشد که دستاورد ما در پنج سال حکومت چه بود. آیا می تواند با افتخار یاد کند که به خاطر نویسنده یک صفحه فس بوک دو روزنامه نگار را بازجویی کردیم. یا آزادی بیان را محدود کردیم و فضای نفس کشیدن را از روزنامه و منتقد و ... گرفتیم. فراموش نکنیم که این رویداد درج تاریخ کشور می شود و آینده در مورد رفتار ها و سیاست ها و برخورد های نخبگان و نهاد های حکومتی قضاوت خواهد کرد.

سیاسی نقد فعالان و روزنامه نگاران را بر نمی تابد. بهتر آن است که استعفا دهد و گوشه عزلت برگزیند و به دور از هیاهوی هالم سیاست زندگی نماید. سیاست مرصه نقد و انتقاد و حوزه همگانی است. رسوم؛ انتظار می رفت که امنیت ملی کشور از دو روزنامه نگار بازجویی نمی کرد بلکه خود با اطلاعات و دانش سایبری خود، صفحه را حک می کرد و قضیه را بدون جار و جنجال بسته می کرد. وقتی امنیت ملی و شورای امنیت قادر به حک کردن و پیدا کردن صاحب یک صفحه اجتماعی نیست، چگونه انتظار داشته باشیم که در عصر کنونی(عصر جنگ سایبری) امنیت ملی و شورای امنیت بتواند از منافع ملی کشور دفاع نماید و در برابر دشمنان افغانستان ایستادگی نماید.

در حدود یک سال شده است که حامد کزری قدرت را به اشرف غنی و عبدالله واکتار کرده است. حکومت جدید اما، مثل اینکه صبر و حوصله مندی حکومت حامد کزری را ندارد. امنیت ملی چند روز پیش به دستور مشاور امنیت ملی دو روزنامه نگار را به خاطر مشخص نمودن گرداننده یک صفحه فس بوکی مورد بازجویی قرار دادند. بازجویی روزنامه نگاران بیانگر آغاز محدود شدن آزادی بیان و رسانه است. با این حال، آزادی بیان و رسانه چیزی نیست که ما به ارزانی به دست آورده باشیم. اهمیت آزادی بیان و رسانه و نگاه سودجویانه نخبگان سیاسی به رسانه ها می رساند که نکات در باب عملکرد شورای امنیت ملی و امنیت ملی ناامید کننده است.

در تمام کشور های جهان سوم و از جمله افغانستان شکاف و فاصله عمیق میان نهاد های امنیتی و مردم است. شکاف میان نهاد های امنیتی و مردم

صنعت فرهنگ سازی و الگوی کلی فرهنگ توده

تئودور و. آدورنو / ترجمه: فرهاد سلمانیان / قسمت یازدهم

سلطه سرمایه داری برهاند تا به تحقق برسند. نظام انحصار از آن اصول سوء استفاده نمی کنند، بلکه در خود آن ها به زیستن ادامه می دهد. در عین حال، همان غیرقابل تحملی در خود دارند که داغ آن حتی خود ورزش هم دیگر نوعی بازی نیست، بلکه آیین است. تسلیم شدگان این آیین، تسلیم خود را جشن می گیرند. آن ها به واسطه اختیارمندی برای خدمتی در این مراسم نقش آزادی ای

دقیقاً همان عرصه ی بازدهی در برابرش مانع می سازد. چیره دستی هنری تا به حال هرگز کاملاً تا حد تام از هنر قابل تفکیک نبوده، طوری که تمام شکل های هنر با لحظه ای از تسلط طبیعی هنرمند چیره دستی است.

توقع کاری شگفت انگیز یا مکانیکی را دارد که از من ساخته نیست. جامعه ای مرفه که بسیار سفر می کند، متکبر است، اما فرهیخته و هزمان تبعیض روز، وقتی می خواهد چیزی را دقیق تر بنگرد، در همان حال به هزاران چیز دیگر مشغول است. این طبقه چنان در یکنواختی متعارف خود گرفتار شده که برایش هیچ فرقی ندارد موسیقی ای که به آن عادت کرده خوب است یا بد، چون به هر حال مجبور است همان را از صبح تا شب بشنود. [۶۵]

روند پیش گفته را به آشکار ترین شکل می توان در موسیقی جاز دید که خود را مستقیماً به همراهی با ورزش رقص گونه و رقابتی پایبند و از این راه مستقل کرده، آن هم درست با این روش که همین پایبندی را بسیار فراتر از امکان های کارپرد صرف جاز برای رقص واقعی دنبال کرده است. اگر بتوان لذت و شور رقصنده را هنگام اجرای موسیقی جاز در این جست که نمی گذارد سکنه های جاز در نقش فرمولی برای ناقص سازی و از کار انداختن حرکت های وی، او را از نقش گروهی اش [هنگام رقص] گمراه نکند، آن گاه لذت نوازنده ی جاز یا ورزشکاری قابل قیاس است که در شرایطی عمدا دشوار برای محک زدن توان خود کار می کند. تمامی هنر بورژوازی همین عنصر را به مثابه اجزا از سر ذوق هنری در خود داشته است. فردریک شوپن [۶۴] در سال ۱۸۴۸ در همین زمینه نوشت: «طبقه ی بورژوا



را بازی می کنند که فرد جسم خود را به کار دیگر به انجام آن وامی دارد. در آزادی این خدمتگزاری جسمانی، تأیید می شود که فرد بی اختیار استیاری را که از سر جبر اجتماعی برای تحرک جسمانی متحمل آن شده، به برده ای به نام جسم در حال ورزش خود انتقال می دهد. شور ورزش که اربابان فرهنگ توده پایهی جمعی اصیل دیکتاتوری خود را در آن حس می کنند، در همان آمادگی برای خدمتگزاری جسمانی ریشه دارد.

برای نمونه خود را بر زمین بزند تا مانع ورود توده به دروازه ی تیم شود و در خدمت جمع باشد. نوازنده ی جاز یا هر کس دیگری در برابر دوربین یا میکروفون باید اعمال خشونت از این دست را بر خود تحمیل کند. حتی کسانکی جایزه می گیرند که نه تنها به خشونت بیشتری علیه خود نیاز دارند، بلکه چنان کامل راه توافق با مرجع درست بکارگیری آن را می دانند که نشانه های مقاومت در برابرش را نیز داوطلبانه از وجود خود می زدایند، آن هم دقیقاً به این دلیل که دیگر توان ایستادگی را در خود حس نمی کنند.

طبقه ی بورژوا در قرن بیستم، سده ی پس از زندگی شوپن، این امنیاز را که مجبور نیاشد، مدام موسیقی گوش بدهد، به شکلی اساسی از دست داد، البته بدون آن که به همین دلیل، نیاز به امور مکانیکی و شگفت انگیز را ترک کند. تنها اتفاقی که افتاد، این بود که نیاز یادشده چنان همگانی و فراگیر شد که هنر مکانیکی، هنر شگفت انگیز را بلعید. تجزیه ی رمانتیک همین وحدت پیش اندیشیده ی مرکب از «بناز به هنر، نیاز به هنر مکانیکی و هنر شگفت انگیز» به جزئیاتش که در مقابل کلیتی منجمد بر حق فرد تأکید می کرد، متضاد خود، یعنی روند ماشینی سازی هنر را، در بطن قاعده ی اساسی اش همراه داشت: در این بین، جزء برابری یافته و از کل جدا [یا همان هنر مصنوعی] نخست به جلوه ای ویژه و نه نهایت به ترافندی تکنیکی تبدیل می شود. با ادامه و جریان یافتن چنین جزئیاتی، کار هنری به دست متخصصان رقیب می افتد و قربانی تقسیم کاری می شود که قدرت تام آن را ابر وجود خود] انکار می کند. فروگاستن اصالتاً- بورژوازی حقیقت، قسط به آن چه در عمل قدرت پیاده کردن آن وجود دارد، این گونه که فرانتسیس بیکن این فکر را تبیین کرد [۶۶]، بر درونمایه ی آثار هنری هم تأثیر می گذارد. اکنون که این محتوا را در خود روند کارخانه ی سازی نفس کار می جویند، تولید اجتماعی به خودی خود جلوه و شکوه پیدا می کند و کذب این شیوه ی تولید یا همان تقدیس کار با تجسم ویژه اش در کالاهای مصرعی، کسب ارزش افزوده ی خود را در تولیدات پنهان می کند. [۶۷]

وقتی فرهنگ توده خود را به نمایش می گذارد، در آن وضع مشتاق است نشان بدهد چگونه تولیداتش به وجود می آیند و کارایی اجزای آن چگونه است. برای شهروند عادی در بطن آن، توانایی کار آزاد، جایگزین زندگی آزاد و بی سلطه می شود. و همین فرد در بازدهی کاری مفهوم شایسته ی انسان را می جوید که



گزارش ها در مورد معایبی شدن معادن کشور چقدر جدی است ؟

رویدادهای ورزشی ای که الگوی کلی فرهنگ توده بسیاری از ویژگی های خود را از شباهت با آن ها وام می گیرد و با اشتیاق وافر تبدیل به موضوع و درونداشت خود می کند، هر نوع معنایی را از خود زده اند. آن ها هیچ چیز دیگری نیستند جز همان که به نظر می رسند. به این ترتیب، ورزشی سازی و رقابتی سازی دستاورد ها در فرهنگ توده در فرسایش جلوه ی زیبایی شناختی سهمیم است. با این توصیف، ورزش برابرتیاد می تصویر زندگی عملی است و نفس تصویرهای زیبایی شناسانه هرچه بیشتر به نوعی رقابت ورزشی تبدیل میشوند، در این روند تصویرباختگی مشارکت بیشتری دارند.

تدارکی دولتی، در ازای پرداخت پول اجاره ی تماشای هنرتمایای او را می یابد، به همین ترتیب نوازنده ی جاز هم بدون کنار گذاشتن کامل همان الگوهای مشابه اجرا و عرضه ی هنری، توجیه بیشتری به دروازه بانسی در بازی فوتبال شباهت می یابد. از او انتظار می رود مهارت هایی مانند بی اشتباهی، توجیه آمادگی مداوم و تمرکز نشان دهد. چنین فردی تبدیل به بدیهه کار و بدیهه سازی (improvisator) در وضعیت اجباری می شود.

تفاوتی چنین نوازنده ای در خیال پردازی به توانایی ورزشی ای با این هدف تبدیل می شود که هیچ عاملی نتواند آرامش اش را بر هم بزند، هیچ چیز هم برایش نامطلوب تر از روباتو [۶۸] (rubato) یا تغییر ریتم نیست. وارث چیره دستی و استعداد هنری تحت انحصار فرهنگ توده همان است که به دقیق ترین شکل ممکن توانایی سازگاری با تیم را دارد. تا آنجا که چنین استعدادی به شکل قدری برجسته شود، این اتفاق طبق معیار کارکردی رخ می دهد که فرد در تیم می پذیرد. در حالت ایده آل، کارکردی به این شکل که فرد خود را در تیم محو

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کاریکااتورست: خالق علی زاده
دیزاین: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی
مسئول وب سایت: مهدی صالحی
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فلز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۲

روزنامه افغانسان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یاتگر دیدگاه روزنامه افغانسان میباشد.
روزنامه افغانسان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانسان است.
www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com